



## Developing a Conceptual Model of Gullibility Based on Islamic Sources \*

Mohammad Hossein Haghshenas<sup>1</sup> and Hamid Rafii Honar<sup>2</sup>

### Abstract



This study aims to develop a conceptual model of gullibility based on Islamic sources. Understanding the concept of gullibility is essential in human nature and falls within the domain of social cognition, as gullibility distorts and weakens an individual's perception of judgments and decision-making. The research method follows a qualitative content analysis approach based on the conventional and directed content analysis of Shey and Shannon. To achieve this, all verses of the Quran and narrations were examined by identifying semantic analysis units, and the data related to gullibility were coded in three stages using qualitative content analysis. The findings indicate that, according to Islamic sources, five main components were identified and inferred: rapid acceptance, rapid change, susceptibility to deception, lack of prudence, and neglect of evil, which were derived from the concepts of folly (safāha), stupidity (ḥumq), and naivety (balah). The developed model highlights that factors such as ignorance, lack of wisdom, disbelief, and the absence of social awareness facilitate gullibility. Upon analyzing these core concepts, which form the central structure of the present model, it was determined that folly and stupidity play the primary roles, while naivety reinforces gullibility. Therefore, in interpersonal relationships, the priority should be addressing the underlying factors to prevent gullibility.

**Keywords:** Gullibility, Deceptibility, Interpersonal Foolishness, Conceptual Model, Islamic Sources.

---

\*. **Date of Receiving:** 13/07/2024, **Date of Revised:** 13/07/2024, **Date of Approving:** 13/07/2024.

1. PhD Candidate in General Psychology, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran (Corresponding Author).  
m.h.haghshenas2976@gmail.com.

2. Associate Professor, Department of Education, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.  
hamidrafii2@gmail.com.



## تدوین مدل مفهومی زودباوری بر اساس منابع اسلامی\*

محمدحسین حق شناس<sup>۱</sup> و حمید رفیعی هنر<sup>۲</sup>



### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی زودباوری بر اساس منابع اسلامی انجام شد. درک مفهوم زودباوری از ویژگی‌های اساسی انسان و در قلمرو شناخت اجتماعی است که زودباوری، درک فرد را نسبت به قضاوت‌ها و تصمیم‌های انسانی تحریف و تضعیف می‌کند. روش پژوهش در این تحقیق به صورت تحلیل محتوای کیفی شیه و شانون به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی بود. بدین منظور، ابتدا با تعیین واحد تحلیل معنایی، تمام آیات قرآن کریم و روایات مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل داده‌های آیات و روایات مربوط به زودباوری با روش تحلیل محتوای کیفی در سه مرحله کدگذاری شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بر اساس منابع اسلامی، ۵ مؤلفه اصلی شامل سرعت در پذیرش، سرعت در تغییر، زودفروبی، ضعف در تدبیر و غفلت از شر شناسایی و استنتاج شدند که از مفاهیم سفاهت (سَفَه)، حماقت (حُمَق) و بلاهت (بُلَه) استخراج شده‌اند. طبق مدل به دست آمده، زمینه‌هایی شامل جهل و نابخردی، بی‌ایمانی و عدم شناخت اجتماعی وجود دارد که تسهیل‌گر زودباوری هستند. با بررسی این مفاهیم که هسته مرکزی مدل حاضر را تشکیل می‌دهند و با توجه به منابع اسلامی درباره زودباوری مشخص شد، سفاهت و حماقت نقش اصلی را ایفا می‌کنند و بلاهت سبب استواری در زودباوری است. بنابراین، برای اجتناب از زودباوری در حوزه روابط بین‌فردی اولویت به رفع زمینه‌ها است.

واژگان کلیدی: زودباوری، فریب‌پذیری، نابخردی میان‌فردی، مدل مفهومی، منابع اسلامی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۳، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸.

۱. محمدحسین حق شناس، دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم (نویسنده مسئول): (m.h.haghshenas2976@gmail.com).

۲. دانشیار گروه تربیت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران: (hamidrafii2@gmail.com).



## مقدمه

تاریخ فرهنگی بشر مملو از نمونه‌های بارز زودباوری انسان است (گرینسپن، ۲۰۰۹؛ کوستلر، ۱۹۶۷؛ راث وگ، ۱۹۶۳؛ به نقل از فورگاس و باومایستر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). به عنوان نمونه می‌توان به زودباوری‌هایی در مسائل سیاسی از بستر فضای مجازی اشاره کرد که افراد زیادی با این مسئله دست و پنجه نرم می‌کنند یا به افرادی مغرض در جامعه اشاره کرد که به نوعی کشور ایران را تحقیر و کوچک‌نمایی می‌کنند و برخی به راحتی آن را می‌پذیرند.

درک مفهوم زودباوری از این جهت ضرورت دارد که از ویژگی‌های اساسی انسان در عرصه روابط اجتماعی است و زودباوری درک فرد را نسبت به قضاوت‌ها و تصمیم‌های انسانی تحریف و تضعیف می‌کند (فورگاس و باومایستر، ۲۰۱۹). در روانشناسی اجتماعی، موضوع زودباوری در قلمرو شناخت اجتماعی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله نظریه‌های مطرح، نظریه شناخت اجتماعی است که مبتنی بر الگوی علی سه‌جانبه رفتار، محیط و فرد است. این الگو به ارتباط بین رفتار، اثرات محیطی و عوامل فردی که به ادراک فرد برای توصیف کارکردهای روانشناختی اشاره دارد، تأکید می‌کند (هرگنهان و اولسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷: ۷۶). بر اساس این نظریه، افراد در نظام علیت سه‌جانبه، بر انگیزش و رفتار خود اثر می‌گذارند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷).

زودباوری<sup>۳</sup> به عنوان یک اصطلاح، برای اولین بار در سال ۱۷۹۳ ثبت و از کلمه «فریب‌پذیری»<sup>۴</sup> (۱۷۲۸) مشتق شده است و احتمالاً مرتبط با «گول»<sup>۵</sup> است، که یک اصطلاح غیرمعمول بود و به نوبه خود منشأ نامشخصی دارد. برخی از مترادف‌های زودباوری مانند بی‌هنری<sup>۶</sup>، نادانی<sup>۷</sup>، بی‌تجربگی<sup>۸</sup> و سادگی<sup>۹</sup> نیز خصلت تحقیرآمیز زودباوری را تأیید می‌کنند. بنابراین، ارزیابی اجتماعی منفی به صورت اجتماعی، جزء اساسی زودباوری است. تعریف استاندارد زودباوری به عنوان شکست هوش اجتماعی

1. Joseph P. Forgas, Roy F. Baumeister.

2. Hrgnhan. B. R. & Olson, M.H.

3. Gullible.

4. cullibility.

5. gull.

6. artlessness.

7. ignorance.

8. inexperience.

9. simplicity.

در یک فرد که به راحتی فریب داده می‌شود و یا در یک دوره نابخردانه قرار می‌گیرد، تأیید می‌شود. زودباوری ارتباط نزدیکی با این که فرد «تمایل به باور گزاره‌های بعید که شواهد آن را تأیید نمی‌کنند» دارد. بنابراین، زودباوری عاملی در فرآیندهای نفوذ اجتماعی است، همان‌طور که تمایل فرد به باور اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده را تسهیل می‌کند (فورگاس و باومایستر، ۲۰۱۹). زودباوری طیف شگفت‌انگیزی از زودباوری‌ها را ایجاد می‌کند که آنها پوچ و اغلب شرور و خشن هستند. از این رو، لازم است برای درک، پیش‌بینی و کنترل دنیای اجتماعی و فیزیکی انسان‌های زودباور تلاش شود (فورگاس و باومایستر، ۲۰۱۹).

به نظر می‌رسد در آموزه‌های دین اسلام، زودباوری در قالب مفاهیمی همچون بُلَه، سفاهت، سازج، و حُمق مورد توجه قرار گرفته است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که می‌فرماید: «سفاقت براستی خوی پستی است؛ صاحب آن بر زیردستش گردن فرازی کند و بر بالا دست خود زبونی کند»<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۲/۲). چراکه مجلسی، سفاقت را به سبک عقلی و پیشی گرفتن در گفتار و کردار بدون تفکر تعبیر می‌کند (کلینی و مصطفوی، ۱۳۶۹). در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که می‌فرماید: «ببرهیز از دوستی با احمق. زیرا هر چه به دوستی او خوشحال‌تر باشی، خطر زیان رساندن او به واسطه حماقتش به تو نزدیک‌تر می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۴۲/۲). همچنین در روایتی آمده است: «کدام‌یک از مردم از همه احمق‌ترند؟» فرمود: «کسی که گول دنیا را بخورد، در صورتی که مشاهده می‌کند دنیا با دیگران چگونه بازی کرد» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق).

با توجه به جستجو و بررسی‌ها در پژوهش‌های انجام‌شده، این مفاهیم (بُلَه، سفاقت، سازج، حُمق) در درک، پیش‌بینی و کنترل دنیای اجتماعی فرد فریب‌خورده در راستای ارتباط اجتماعی، پژوهشی صورت نگرفته و پژوهش‌ها از این جهات دارای نقصان هستند. برخی از پژوهش‌ها تنها به واکاوی و مفهوم‌شناسی مفاهیم پرداخته‌اند، از جمله پژوهش‌های فرامرزی (۱۳۹۸)، آخوند (۱۳۹۶)، فرجامی و معصومی (۱۴۰۰). برخی دیگر، تنها به حکم فقهی مفهوم سفاقت پرداخته‌اند که می‌توان به پژوهش‌های منتظری شاهرودی (۱۳۹۱)، عامری و پورجوهری (۱۴۰۰) و الشریف، جلالی و اکرمی ابرقوئی (۱۳۹۴) اشاره کرد. پژوهشی درباره مفهوم سفیه نیز توسط اکرمی (۱۳۹۹) در راستای اقرار سفیه در دعاوی کیفری که نقدی بر ماده ۱۷۰ قانون مجازات اسلامی است، پرداخته شده است.

۱. «إِنَّ السَّفَةَ خُلُقٌ لَيْمٌ يَسْتَطِيلُ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَيَخْضَعُ لِمَنْ [هُوَ] فَوْقَهُ».



کتاب روانشناسی اجتماعی زودباوری، ویرایش شده توسط جوزف پی. فورگاس و روی اف. باومایستر (۲۰۱۹)، به موضوع روانشناسی زودباوری پرداخته است. وجه تمایز پژوهش حاضر با این کتاب در بررسی و تحلیل مضمون مسئله زودباوری بر اساس منابع دین و اسلام است. در حقیقت، پژوهشی که با منطق روانشناسی و با مجموعه این مفاهیم مبتنی بر منابع اسلامی پرداخته شده باشد، کمبود دیده می‌شود. از این رو، پژوهش‌های نام برده شده از جهات منابع انتخابی، عدم جامعیت در مفاهیم دخیل به صورت منسجم، و همچنین از جهت فرایند کار و جهت‌گیری در آن با پژوهش حاضر تمایز دارند.

ویژگی‌های پژوهش حاضر ضمن اینکه کارکردها، اجزا و مؤلفه‌های مفهومی زودباوری بر اساس منابع اسلامی را استخراج می‌کند، توانمندی‌های شناختی افراد در روابط اجتماعی را بالا برده و نسبت به جنبه‌های مختلف زودباوری مبتنی بر آموزه‌های دینی آگاهی می‌یابند. مدل مفهومی زودباوری بر اساس منابع اسلامی این تأثیرات را بر روی افراد خواهد گذاشت. بر اساس آنچه گذشت، تحقیق حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد: مدل مفهومی زودباوری بر اساس منابع اسلامی چیست؟  
روش تحقیق: مطالعه حاضر به روش تحلیل محتوای کیفی و با هدف تدوین الگوی مفهومی زودباوری انجام شد. در این روش، مؤلفه‌های ناشناخته یک مفهوم کشف می‌شوند. در این پژوهش، گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعه و تحلیل محتوای کیفی متون اسلامی مرتبط بود، لذا جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شد.

این پژوهش مراحل زیر را شامل می‌شود: گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه متون اسلامی مرتبط، تجزیه و تحلیل اطلاعات استخراج شده از متون به منظور دستیابی به شاخص‌ها و مؤلفه‌های اصلی، طراحی الگوی مفهومی مرتبط با شاخص‌های به دست آمده، حوزه مورد مطالعه، متون تخصصی اسلامی، ابزار گردآوری اطلاعات، جستجوی پیشرفته در بانک‌های اطلاعاتی علمی و تخصصی، و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحلیل محتوای کیفی با نظام مقوله‌بندی استقرایی شامل: ساماندهی متون و اسناد، کدگذاری داده‌ها، اختصاص عنوان به کدها، گروه‌بندی کدها، مرتبط ساختن کدها به صورت مضامین مرتبط به هم، ارائه یافته‌ها و در نهایت تدوین الگوی مفهومی.

ابتدا مفاهیم موجود در متن قرآن کریم و روایات ائمه معصومین و سایر کتب دینی مرتبط با زودباوری استخراج و به صورت باز کدگذاری شد. در این مرحله که کدگذاری اولیه متن نیز نامیده می‌شود، مفاهیم و مضامین یا کدهای اساسی استخراج شدند. در مرحله بعد، به وسیله کدگذاری محوری، کدها طبقه‌بندی شدند و کدهایی که دارای مفاهیم و مضامین مشترک بودند، تحت یک مقوله

نامگذاری شدند. کدگذاری محوری از انتزاع بالاتری برخوردار است و الگوهای نهفته در متن را جستجو می‌کند. بنابراین، در این روش توصیفی عمیق‌تری از متن حاصل شد.

متداول‌ترین واحدی که برای تحلیل متون در تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود، مضمون است (ویر، ۱۹۹۰؛ به نقل از حافظی، ۱۳۹۹) و در این پژوهش نیز واحد تحلیل مضمون است. جامعه آماری پژوهش آیات و روایات معصومین بوده است. این تحقیق با روش تحلیل محتوای کیفی شیوه و شانون به شیوه عرفی و قراردادی انجام شده است. تحلیل محتوا را می‌توان یک روش مستقل و نه صرف تکنیکی خاص دانست که می‌تواند در راستای رسیدن به الگو یا چارچوبی مفهومی، توصیف و تلخیص داده‌ها، استنباط از آنها و تدوین نظریه به کار رود. شیوه و شانون (۲۰۰۵) تحلیل محتوا را روشی برای بررسی مضامین یا الگوهای کدگذاری شده می‌دانند.

از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور یافتند و این تحقیق با روش تحلیل محتوای کیفی به صورت استقرایی انجام شده است. واحد تحلیل در تحلیل محتوا به بخش‌هایی از متن گفته می‌شود که جدا و رمزگذاری می‌شوند. در فرایند تحقیق، داده‌ها به صورت مستمر با یکدیگر مقایسه و سه مرحله کدگذاری باز،<sup>۱</sup> کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی<sup>۲</sup> انجام شدند. در مرحله کدگذاری باز، پس از خواندن آیات و روایات مربوطه، جملات اصلی آن استخراج و به صورت کدهایی ثبت شد. در این مرحله ۱۸۵ کد باز به دست آمد که به صورت گزاره‌های مفهومی اولیه مشخص شد. کدهای باز بدون در نظر گرفتن روابط تلقی می‌شوند که برچسب‌های ذهنی جداگانه به وقایع و پدیده‌ها نسبت می‌دهند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). کدگذاری محوری در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول، کدهای اولیه‌ای که کدگذاری باز ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند. موارد مشابه و مرتبط به هم ادغام و سپس برای هر کدام عنوان‌های مناسب انتخاب شد که در مجموع تعداد ۸۳ کد محوری مرحله اول را تشکیل دادند. همین کار در مرحله دوم نیز انجام شد و کدهای محوری مرحله اول که با یکدیگر مرتبط بودند، ادغام و طبقات انتزاعی‌تری را ساختند که تعداد ۱۳ کد محوری مرحله دوم را شکل دادند. پاتون (۱۹۸۷) این طبقات را دسته‌هایی همگن از درون و ناهمگن با دیگر طبقات می‌داند که در حقیقت اصل جامعیت و مانعیت در آنها رعایت شده است. در نهایت، در کدگذاری انتخابی، این طبقات عمده به استخراج ۵ کد نهایی منجر شد.

1. open coding

2. selective coding



با بررسی انجام شده در کتب لغت، شش ریشه لغوی (الخداع، سازج، بساطه، سَفَه، حُمق و بُله) یافت شد که از بین آنها واژه الخداع در جمع‌آوری اطلاعات حذف شد. چرا که واژه الخداع به معنای حیله و مکر و فریب دادن است (ازهری، ۱۴۲۱ق)، در حالی که پژوهش حاضر مربوط به فریب‌پذیری است. از این رو، واژه‌های سازج، بساطه، سَفَه، حُمق و بُله با بحث زودباوری قرابت معنایی داشتند و آیات و روایاتی که از مشتقات این واژه‌ها بودند، مورد استفاده و استخراج شدند.

**یافته‌ها:** در این پژوهش، زودباوری در آیات قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفت و با مطالعه مکرر قرآن و روایات، مفاهیم این حوزه جمع‌آوری شد. با بررسی انجام شده در کتب لغت، مفاهیم زودباوری از پنج ریشه لغوی سازج، بساطه، سَفَه، حُمق و بُله یافت شدند. واژه‌های سازج، بساطه، سَفَه، حُمق و بُله با بحث زودباوری قرابت معنایی دارند.

**سازج:** از جهت لغوی، سازج نام برگ و میله‌ای است که در فواید آب و بدون دلبستگی به اصل بر روی آب می‌روید (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴ش). قرابت معنایی این واژه با زودباوری از این جهت است که بدون ریشه است و بنا بر هیچ اصل و اساسی نیست.

**بساطه:** از جهت لغوی به معنای زمین ساده و مقابل آن قبض است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق). قرابت معنایی این واژه از این جهت است که فرد زودباور، ویژگی شخصیتی سادگی و سادلوحی را دارد. آیات و روایاتی که با دو ریشه سازج و بساطه باشد، یافت نشد. با توجه به ریشه معنای زودباوری که مرتبط با گول و فریب خوردن (اغترار) است، این ریشه از معنا در واژه‌های سَفَه، حُمق و بُله در لغت‌شناسی به چشم می‌خورد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق؛ ازهری، ۱۴۲۱ق؛ شیبانی، ۱۹۷۵م) که هر سه لغت با جهل و ضعف عقل ارتباط معنایی دارند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق؛ ابن درید، ۱۹۸۸م؛ ازدی، ۱۳۸۷ش). در گام بعدی، آیات و روایات یافت شده برای نظم‌بخشی و مرتب‌سازی بررسی شدند و آیات و روایات به تفکیک در ذیل عنوان‌ها و مقوله‌های خاص خود قرار گرفتند. در مرحله کدگذاری باز، آیات مربوط به هر مؤلفه به صورت جداگانه کدگذاری شدند و البته در مواردی چند روایت به تناسب خاصی با همدیگر کدگذاری شدند، به این معنا که برخی از روایات با یکدیگر مناسبت و قرابت داشتند. لذا روایات این دسته به صورت یکجا کدگذاری شدند که در نهایت به ۱۲ عامل و عنصر کدگذاری شدند.

## الف. فرآیند کدگذاری

تعداد کدهای باز هر مفهوم متفاوت بود؛ برخی نزدیک به ۵۰ کد و برخی کمتر از آن بودند. مفاهیمی چون «سفاقت» با ۵۲ کد باز، «حُمق» با ۵۰ کد باز و «بُله» با ۱۶ کد باز همراه بودند. برخی از کدها که تعداد آنها به ۷۷ کد باز می‌رسید، از دایره این مفاهیم خارج شده و مربوط به مفهوم زودباوری نبودند.

پس از کدگذاری باز، کدگذاری محوری در دو مرحله انجام شد. ابتدا کدهای باز هر مفهوم به صورت جداگانه تحلیل شدند و سپس در کدگذاری محوری ۱ با توجه به اشتراکات و تناسباتی که داشتند، طبقه‌بندی شدند. در گام بعدی، عنوان‌های کلی‌تر و انتزاعی‌تر به کدهای محوری ۱ اختصاص یافتند و کدگذاری محوری ۲ نیز بدین صورت مشخص شد. لازم به اشاره است که در مرحله بررسی کدهای باز و کشف کدهای محوری ۱ و ۲، این کدها به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفتند، اما در انتها مشخص شد بخش قابل توجهی از کدهای محوری یافت شده در ریشه اصلی مفاهیم (یعنی فریب‌خوردگی) با همدیگر قرابت معنایی دارند. مرحله نهایی کدگذاری، عبارت بود از کدگذاری انتخابی که به مقولات اساسی تحقیق منجر شد. این مرحله با توجه به کدهای محوری ۲ و با سنجش روابط بین آنها انجام شد و در جدول ۱، کدهای محوری ۲ و انتخابی ذکر شده‌اند.

جدول (۱): کدهای محوری (۲) و کدهای انتخابی

کدهای انتخابی	کدهای محوری ۲
پذیرش سریع	عدم تبیین
	طلب نکردن حقیقت و واقعیت
تغییر سریع	تمرد از ایمان
	سبک‌شماری حق و از بین برنده آن
ضعف در تدبیر	عدم فهم در امور اقتصادی
	عدم فهم در امور اعتقادی
	عدم فهم در امور ارتباطی
	پرشان‌گویی
زودفروبی	خواسته نامعقول داشتن
	فرافکنی کردن
غفلت از شر	زورگویی نسبت به زیردستان
	ذلت و خواری نسبت به بالادستان

### شرایط و زمینه‌ها

با توجه به کدهای به دست آمده، یک‌سری مقوله‌های زمینه‌ای کشف شد. این زمینه‌ها و شرایط سبب تسهیل زودباوری می‌شوند. آن مقوله‌های زمینه‌ای عبارتند از: جهل و دوری از خرد (نابخردی و عدم تعقل)، روی‌گردانی از آیین ابراهیم (بی‌ایمانی)، عدم شناخت اجتماعی (الگوگیری از والد و مربی بی‌خرد).





## پیامدها

پیامدها در واقع نتیجه وجود زمینه‌ها هستند. با توجه به آیاتی که مستند کدها بودند، می‌توان پیامدهایی چون ابتلاء به رفتارهای آسیب‌زا و از دست دادن قدرت تشخیص حق را نام برد. از این دو اصل، پیامدهای سختی به وجود می‌آید که به مستندات آنها اشاره می‌کنیم:

- **پشیمانی:** پشیمانی تأثیر عمل جاهلانه است؛ مانند عدم تفحص و جستجو نسبت به یک خبر که با عدم شناخت نسبت به هر موضوعی ممکن است به دیگران آسیب برساند<sup>۱</sup> (حجرات: ۶).

- **پستی و گرایش به مسیر نامتعالی:** سفاقت برآستی خوی پستی است؛ صاحب آن بر زیردستش گردن فزازی کند و بر بالا دست خود زبونی کند.<sup>۲</sup> و در روایتی پرسیدند، بی‌خردی چیست؟ فرمودند: پیروی دونان و همدمی گمراهان.<sup>۳</sup>

- **از دست دادن جایگاه اجتماعی:** پرسیدند، نابخرد کیست؟ فرمودند: آن‌که در مال احمق و به آبرو بی‌اعتنا باشد.<sup>۴</sup> و به این خاطر رسول خدا ﷺ فرمودند: هرگاه یکی از شما برادر مسلمانش را دوست دارد باید او را از نامش و نام پدرش و نام تیره و تبارش بپرسد. زیرا حق واجب و وظیفه برادری این است که او را از اینها بپرسد تا خوب او را بشناسد و گرنه شناسائی احمقانه است.<sup>۵</sup>

- **گمراهی و خروج از مسیر متعالی:** مسلماً آنها که فرزندان خود را از روی سفاقت و نادانی کشتند زیان دیدند و آنچه را خدا به آنها روزی داده بود بر خود تحریم کردند و بر خدا افترا بستند. آنها گمراه شدند و (هرگز) هدایت نیافتند.<sup>۶</sup>

- **خسران:** مسلماً آنها که فرزندان خود را از روی سفاقت و نادانی کشتند، زیان دیدند.<sup>۷</sup> در نهایت، مدل زودباوری از واژگان سَفَه، حُمَق و بُله استفاده شده است.

## ب. تبیین مدل مفهومی زودباوری

طبق متون دینی (قرآن کریم و روایات)، می‌توانیم جنبه‌ای از جهل میان‌فردی را شامل دو کارکرد عدم علم و زودباوری بدانیم؛ دو کارکردی که جستجو و بررسی در متون حدیثی بر آن تطبیق می‌کند.

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾.
۲. إِنَّ السَّفَهَ خُلِقَ لِيُتِمَّ بِسُطُوبِ عَلٰى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَ يُخْضَعُ لِمَنْ [هُوَ] فَوْقَهُ. (كلینی، ۱۴۰۷)
۳. فَمَا السَّفَهَ قَالَ اتِّبَاعَ الدَّنَاةِ وَ مُصَاحَبَةَ الْعَوَاةِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴)
۴. وَ مَا السَّفَهَ قَالَ الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ الْمَتَهَاوِنَ بِعِزِّهِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴)
۵. إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَحَاهُ الْمُسْلِمَ فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ اسْمِ قَبِيلَتِهِ وَ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّ مِنْ حَقِّهِ الْوَاجِبِ وَ صِدْقِ الْإِحْءَاءِ أَنْ يَسْأَلَهُ عَنِ ذَلِكَ وَ إِلَّا فَإِنَّهَا مَعْرِفَةٌ حُمَقٍ (كلینی، ۱۴۰۷)
۶. ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَزَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلٰى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (انعام: ۱۴۰)
۷. ﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...﴾ (انعام: ۱۴۰)

عدم تفکر: عدم تفکر موجب عدم شناخت عمیق و آگاهی می‌شود و شامل عدم تبیین، تحقیق و بی‌توجهی به پیامدها است. این مؤلفه با منابع بیرونی شناخت اجتماعی (مانند الگوگیری از والد و مری با عدم شناخت اجتماعی) در ارتباط است و از آنان تأثیر می‌پذیرد.

**زودباوری:** زودباوری دارای پنج مؤلفه پذیرش سریع، تغییر سریع، ضعف در تدبیر، زودفربیی و غفلت از شر است که مفهوم زودباوری بر مفاهیم سفاهت (سَفَه)، حماقت (حُمَق) و بلاهت (بُلَه) دلالت می‌کند.

بنابراین زودباوری، از طرفی به واسطه دو مؤلفه سرعت در پذیرش و سرعت در تغییر که نشان از ناپایداری هیجانی است، منجر به عدم تشخیص در نفع و ضرر خود می‌شود؛ از طرف دیگر سومین مؤلفه، ضعف در تدبیر است که همچنان در فریب خوردن فرد تأثیرگذار است و از مفهوم سفاهت استخراج شده است. مؤلفه چهارم، زودفربیی است که زودباور به خاطر خطا و اسراف در رأی دچار زودفربیی می‌گردد و از مفهوم حماقت نشأت می‌گیرد. مؤلفه پنجم، غافل شدن از شر است که فرد زودباور را در زودباوری کمک می‌دهد و عملیاتی می‌شود و از مفهوم بلاهت استخراج شده است. بنابراین، مجموع مفاهیم سفاهت، حماقت و بلاهت، این پنج مؤلفه را به وجود می‌آورند که در نهایت مفهوم زودباوری را تحقق می‌بخشند.

این سه مفهوم در واقع جمع تمام کدهای یافت شده در مراحل مختلف کدگذاری هستند. اکنون به توضیح هر کدام از مفاهیم می‌پردازیم.

قابل ذکر است که آنچه سه مفهوم سفاهت، حماقت و بلاهت را در کنار هم قرار داد تا سازه‌ی زودباوری را تشکیل دهند، اشتراک در اغترار (فریب خوردن) است که زودباوری نیز از فریب‌پذیری مشتق شده است. لازم به ذکر است که با توجه به بررسی در لغت‌شناسی، غیر از واژگان سَفَه، حُمَق و بُلَه، واژه دیگری یافت نشد که اشتراک در اغترار و فریب خوردن داشته باشد.

**سفاهت (سَفَه):** یکی از مفاهیمی که در بخش هسته مرکزی مدل مفهومی زودباوری مطرح می‌شود، «سفاهت» است. اگر بخواهیم افراد زودباور را بشناسیم، باید فرد را از این جهت شناسایی کنیم که آیا دارای ویژگی‌های سفاهت است یا خیر؟ با توجه به بررسی‌هایی که در روایات و لغت‌شناسی انجام شد، صفت سفاهت از ریشه جهل گرفته می‌شود و بسیار با معنای بی‌خردی ارتباط دارد و از آن نشأت می‌گیرد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق). سفاهت از طرفی نقیض حلم است (کلینی، ۱۴۰۷)؛ به این معنا که فرد سفیه در رفتار و افکار خود نوعی شتابزدگی و عجله دارد (کلینی، ۱۴۰۷؛ ابن درید، ۱۹۸۸م)، به نوعی که سفیه از یک ناپایداری هیجانی رنج می‌برد که در موقعیت‌های اجتماعی و روابط بین‌فردی در پذیرش و



تغییر افکار و رفتار سرعت دارد و شتابزده عمل می‌کند (ابن درید، ۱۹۸۸م). این گونه افراد از دور زودباور می‌گریزند و روابط میان‌فردی او دچار مشکل می‌شود. این نتیجه‌ی کمبود عقل و خرد است و تأثیر خود را در کارهای دنیوی (نساء، ۵) و اخروی (بقره، ۱۳، ۱۴۲؛ جن، ۴) می‌گذارد.

از ویژگی‌های اساسی صفت سفاهت، پذیرش سریع و تغییر سریع در رفتارها و افکار است. فرد زودباور با داشتن این صفت، نمی‌تواند نفع و ضرر خود را تشخیص دهد، چراکه در تعقل دچار مشکل است و این مسئله زندگی دنیوی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نیز نمی‌تواند عاقبت و زندگی اخروی خود را تأمین کند. از این‌رو، از مسیر حق خارج می‌گردد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق). از طرف دیگر، سفاهت دارای ضعف عقل است که با مفاهیم خفت، سخیف بودن و نزق (شتاب داشتن در نادانی) ارتباط معنایی دارد (موسی، ۱۴۱۰ق؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق). به این معنا که فرد زودباور دارای رفتارهای غیرهوشمندانه است و منجر می‌شود که در رأی و نظر خطا کند (شیبانی، ۱۹۷۵م)، چراکه نسبت به حق سبک‌شماری می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷). از این‌رو، نسبت به افراد بالا دست خود ذلیل و خفت و پستی را تجربه می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷).

بنابراین، با وجود دو ویژگی ناپایداری هیجانی (سرعت در پذیرش و تغییر) و رفتارهای غیرهوشمندانه، زمینه برای اغترار و زودفربیی فراهم می‌شود؛ چراکه سفاهت با زودفربیی قرابت دارد (کلینی، ۱۴۰۷).

در صورتی که میزان شناخت، ارزیابی و تعمق فرد نسبت به موضوعات و وقایع بیشتر باشد، در موقعیت‌های میان‌فردی بهتر می‌تواند به ابعاد آن مسئله پردازد و از دسیسه‌ها و مکر و فریب‌خوردگی در امان بماند تا به پیامدهای سهمگین زودباوری دچار نشود. فردی که معنای مفاهیمی چون علم، تبیین، حکمت و ایمان را بهتر درک می‌کند، می‌تواند در شرایط مختلف از آنها در راستای بهبود روابط میان‌فردی خود و جلوگیری از اغترار و فریب خوردن استفاده کند.

**حماقت (حُمق):** یکی دیگر از مفاهیم بخش هسته مرکزی مدل مفهومی زودباوری، «حماقت» است. صفت حُمق نیز با کمی عقل قرابت دارد و فرد احمق همانند سفیه دچار سخافت در رأی و نظر می‌شود (جوهری، ۱۳۷۶ق) و نمی‌تواند کیاست به خرج دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق)، چراکه فهم در مقابل حُمق قرار دارد (کلینی، ۱۴۰۷). مهم‌ترین مسئله و مشکلی که در صفت حماقت وجود دارد، ضعف در تدبیر است (ازدی، ۱۳۸۷ش) و این مشکل باعث فریب‌خوردگی (ازهری، ۱۴۲۱ق) زودباور می‌گردد. چنانچه ضعف در تدبیر و به دنبال آن فریب‌خوردگی در روایتی به خوبی استنباط می‌شود: اینکه اگر فرد نسبت به آینده خوشایندی در نظر داشته باشد، در این حالت نوعی انتظار و توقع را تجربه

می‌کند که به دنبال آن نیز لذتی در قلب فرد پدید می‌آید. حال اگر اسباب این انتظار و توقع آماده نباشد، فرد دچار فریب و اغترار می‌شود که به نوعی حماقت گفته می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷). پس، هنگامی که فرد با آماده نبودن اسباب توقعش، همچنان انتظار می‌کشد، نمی‌تواند امور را به خوبی تدبیر کند و ممکن است در روابط بین فردی به خاطر این انتظار فریب بخورد.

با توجه به توضیح دو مفهوم سفاهت (سفه) و حماقت (حمق) می‌توان زودباوری را به صورت پیوستاری قلمداد کرد. با این بیان که سفاهت در پایین‌ترین پیوستار از کمبود عقل قرار دارد و حماقت در بالاترین پیوستار که سفاهت به‌عنوان شدت در زودباوری قرار می‌گیرد.



شکل (۳): پیوستار زودباوری

با این تفسیر که هرکسی سفیه باشد، صفت حماقت را نیز دارد. اما اگر فردی از حماقت برخوردار است، لزوماً نمی‌توان گفت احمق، سفیه است و زودباور در مرتبه سفاهت قرار دارد. این مسئله با توجه دقیق در لغت‌شناسی و از فحوای روایات استنباط می‌شود.

در لغت، از سفه به خفیف العقل و ضعف العقل (ازهری، ۱۴۲۱ق) تعبیر می‌شود به این معنا که فرد از قدرت تعقل برخوردار نیست. اما از حمق به قلت العقل (ازدی، ۱۳۸۷ش) و کاسد العقل (ازهری، ۱۴۲۱ق) تعبیر می‌شود به این معنا که فرد با وجود علم به قبح و زشتی چیزی، آن را در غیر موضع خود قرار می‌دهد (ازدی، ۱۳۸۷ش). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فرد علم به چیزی دارد و می‌تواند از آن علم استفاده نماید، اما آن را به کار نمی‌برد و برعکس، در غیر موضع آن استفاده می‌کند. در نتیجه، فردی که زودباور در مرتبه حُمق است، از شدت زودفربیی کمتری نسبت به زودباور در مرتبه سفاهت برخوردار است. می‌توان گفت کسی که زودباور در مرتبه حمق است، بیشتر می‌تواند امید برای درمان او داشت تا نسبت به کسی که زودباور در مرتبه سفاهت است. چنانچه این موضوع را نیز می‌توان از فحوای روایات دریافت نمود.

در روایتی، عافیت را ده جزء بیان نموده که یکی از آنها در ترک هم‌نشینی با سفیه است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). یا در روایتی دیگر آمده است که از کسی که عالم است بیاموز و به کسی که جاهل



است آموزش ده و در برابر سفیه شکیبایی کن (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). و یا با عبارتی دیگر می‌فرماید: سخن گفتن زیاد در برابر سفیهان را کنار بگذارید (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). قرآن نیز در پاسخ به منافقان می‌گوید: بدانید سفیهان واقعی اینها هستند اما نمی‌دانند (بقره، ۱۳). اینکه ترک همنشینی با سفیه را در برابر نه جزء و به صورت مستقل بیان می‌کند و نباید با سفیه همنشین شد، لازمه‌اش دوری جستن از او است و به سفیه نیز نمی‌توان چیزی آموزش داد. فرد سفیه حتی از افراد جاهل جدا و مستقل است، به این معناست که جهالت سفیه از نوع خاصی برخوردار است و اینکه حتی نمی‌توان برای بیدار نمودن و بالا بردن قوه تعقل افراد سفیه زیاد سخن گفت. همچنین، طبق آیه قرآن، سفیه به عدم آگاهی از سفاهت خود نسبت داده شده است به این معنا که نمی‌خواهند قبول کنند عملشان سفیهانه است.

بنابراین، به نظر می‌رسد سفاهت درد بی‌درمان است و وضعیت زودباور در مرتبه سفاهت بدترین و شدیدترین رتبه در زودباوری است. کسی که قبول نداشته باشد رفتار یا افکارش اشتباه است و نسبت به خود بینش ندارد، نمی‌توان در این افراد شناختی ایجاد نمود.

**بلاهت (بُله):** آخرین مفهوم در بخش هسته مرکزی مدل مفهومی زودباوری، «بلاهت» است. علاوه بر اینکه بُله با ضعف در عقل ارتباط دارد (ابن فارس، ۱۴۴ق)، نسبت به پیامدها و ضرر و شر غفلت دارد و نمی‌تواند آن پیامدها را شناسایی نماید (ازدی، ۱۳۸۷ش). همین امر سبب فریب‌خوردگی او می‌شود (جوهری، ۱۳۷۶ق). به دلیل اینکه آیات و روایاتی از واژه بُله یافت نشد و از نظر لغت‌شناسی با سفاهت و حماقت قرابت معنایی زیادی دارد، در این پژوهش وجود این مفهوم را به عنوان استواری در سفاهت و حماقت معرفی کردیم. این‌گونه استنباط شد که ویژگی اصلی صفت بُله، غفلت از شرّ است. به خاطر این ویژگی، به سفاهت و حماقتی که فرد زودباور دارد، کمک می‌کند و او را در این حالت باقی نگه می‌دارد و مایه استواری در زودباوری می‌شود.

طبق بررسی‌ها، مفهوم زودباوری بر سفاهت، حماقت و بلاهت استوار است. سفاهت کارکرد شناخت‌های سطحی در امور مادی و معنوی را برعهده دارد و شامل سه مؤلفه ۱. پذیرش سریع؛ ۲. تغییر سریع افکار و باورها؛ ۳. زودفریبی و اسراف در رأی است. حماقت سبب ضعف در تدبیر می‌شود که در نهایت منجر به فریب‌خوردگی می‌گردد. قابل ذکر است که فرد با پذیرش و تغییر سریع (سفاهت) و ضعف در تدبیر (حماقت)، دچار زودفریبی می‌شود. بُله، کارکرد بی‌توجهی به امور نامطلوب را در بر دارد. بُله می‌تواند استواری در سفاهت و حماقت باشد، چراکه با بی‌توجهی به امور نامطلوب و پیامدها، از طرفی به سفاهت سرعت می‌دهد و نمی‌گذارد فرد نسبت به شناخت‌های امور مادی و معنوی خود

تعمق کند و از طرف دیگر، ضعف در تدبیر را دوچندان می‌نماید. از این رو، در بستر اجتماع و در روابط بین فردی، زودباوری شکل می‌گیرد که تماماً از زمینه‌ی جهل، بی‌ایمانی و شناخت اجتماعی نامطلوب برمی‌خیزد. بنابراین، به‌عنوان یکی از مصادیق زودباوری در روابط میان فردی، می‌توان زودباوری را ریشه تجمع یافتن افراد در اغتشاشات و در زمین دشمن بازی کردن دانست.

در مدل تدوین شده در تحقیق حاضر، ویژگی‌های ذاتی سفاهت (سرعت در پذیرش، تغییر و زودفروبی)، حماقت (ضعف در تدبیر و فریب‌خوردگی) و بلاهت (غفلت از شر) مطرح شدند. فرد زودباور دچار پیامدهای سهمگینی خواهد شد. این پیامدها در واقع جمع تمام کدهای یافت شده در مراحل مختلف کدگذاری است که به توضیح آنها می‌پردازیم.

### ج. از دست دادن قدرت تشخیص حق در امور اعتقادی، ارتباطی و اقتصادی

شناخت خداوند و ایمان و اعتقاد به او اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مفهوم حیات‌بخش و زیربنای تمام افکار و اندیشه‌هایی است که لازمه آن معرفت و شناخت است. ابتلا به خطاهای شناختی درباره نگرش‌ها و بازخوردها نسبت به خود از مهم‌ترین تهدیدها است که اشاراتی به آن در قرآن می‌توان یافت (کاویانی، ۱۳۹۳). همچنین فهمیده می‌شود که سفیه در امور اعتقادی، ارتباطی و اقتصادی فهم ندارد و توانایی تشخیص این امور را ندارد.

#### - امور اعتقادی:

- چون به منافقین گفته شود: «ایمان آورید چنان که مردم ایمان آورده‌اند»، (در دل خود) می‌گویند: «آیا ما هم مانند سفیهان ایمان آوریم؟!»، آگاه باشند که آنها خود سفیه‌اند ولی نمی‌دانند<sup>۱</sup> (بقره: ۱۳).

- چه کسی جز افراد سفیه و نادان از آیین ابراهیم روی گردان خواهد شد؟ ما او را در این جهان برگزیدیم و او در جهان دیگر از صالحان است<sup>۲</sup> (بقره: ۱۳۰).

- و نیز به خاطر ندیدن حقایق قدرت تشخیص را از دست می‌دهد. مانند آن‌جا که با وجود معجزات، باز سفیهان خواسته‌های نامعقول دارند: «و موسی از (میان) قوم خود برای وعده‌گاه ما (وعده نزول تورات پیش از پرستش گوساله، یا وعده توبه پس از آن) هفتاد مرد را برگزید، پس چون (به شنیدن صدا بسنده نکرده، خواستار دیدن خدا شدند) آن لرزه شدید آنها را فرا گرفت (و همگی مردند، موسی) گفت: پروردگارا، اگر می‌خواستی آنها و مرا پیش از این هلاک می‌کردی؛ آیا ما را به خاطر آنچه

۱. ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۱۳).

۲. ﴿وَ مَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (بقره: ۱۳۰).



نابخردان ما انجام داده‌اند هلاک می‌کنی؟! این جز آزمایش تو نیست، هر کس را بخواهی بدان گمراه می‌کنی و هر کس را بخواهی هدایت می‌کنی؛ تو یار و سرپرست مایی، ما را بیامرز و بر ما ترحم کن که تو بهترین آمرزندگان هستی»<sup>۱</sup> (اعراف: ۱۵۵).

- **امور اقتصادی:** ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ... اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا (از نظر عقل) ضعیف است، ... باید ولی او (به جای او) با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیری!<sup>۲</sup> (بقره: ۲۸۲). اموال و ثروت‌های خود را به دست افراد سفیه نسپارید<sup>۳</sup> (نساء: ۵).

- **امور ارتباطی:** انسان سفیه نمی‌تواند پیشوای متقیان قرار گیرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲). چراکه علاوه بر ضعف در عقل و ایمان، در امور ارتباطی نیز دچار ضعف است و به خاطر رفتارهای آزارگرانه‌ای که با دیگران دارد، نمی‌تواند به طور مطلوب رهبری عده‌ای را بر عهده بگیرد. بنابراین، درک جایگاه، توجه به باورهای درونی، شناخت و معرفت و تعمق در آنها، انسان را از گرداب‌های توهم حفظ می‌کند و او را همچنان از قدرت تشخیص برخوردار نگه می‌دارد.

- **ابتلاء به رفتارهای آسیب‌زا:** رفتارهای آسیب‌زای زودباور به دو گونه آزارگرانه و آزارشونده است. فرد زودباور به جهت داشتن صفت سفه، به انواع مختلفی هم دیگران را آزار می‌دهد و هم به خود آسیب می‌زند. از این‌رو، در روایات سفارش شده است که کسی با انسان سفیه مجادله نکند؛ چراکه افراد را می‌آزارد<sup>۴</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق)، مورد شماتت قرار می‌دهد<sup>۵</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق) و چیزهایی را به دیگران نسبت می‌دهد در حالی که خودش لایق آن است.<sup>۶</sup> اینکه فرد زودباور مورد آسیب قرار می‌گیرد و به خود رنج می‌دهد، این است که زودباور، گرچه صاحب حق باشد، اما به خاطر سفاقت و بی‌خردی خود، نور حق خویش را خاموش می‌سازد و آن حقی را که در نزد خود دارد از بین می‌برد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). از این‌رو، این‌گونه می‌شود که فرد زودباور جایگاه خود را در روابط بین‌فردی از دست می‌دهد.

۱. ﴿وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِيُقِيمَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّحْمَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ آتُهُمْ لَمَا فَعَلْتُ السُّفَهَاءَ مِمَّا أَنْ هِيَ إِلَّا قَتَلْتُكَ تَصِلُ بِهَا مِنْ نَسَاءٍ وَ تَهْدِي مِنْ نَسَاءٍ أَنْتَ وَلَيْتَا فَاغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾ (اعراف: ۱۵۵).  
۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا ... فَلْيُمْلِلْ لِوَيْهِ بِالْعَدْلِ وَ اسْتَشْهِدُوا شَهِدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ﴾ (بقره: ۲۸۲).  
۳. ﴿وَ لَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ﴾ (نساء: ۵).  
۴. ﴿لَا تُمَارِينَ ... سَفِيهًا فَإِنَّ ... السَّفِيهَ يُؤْذِكُ﴾.  
۵. ﴿لَا تُمَارِ السُّفَهَاءَ ... يَشْتِمُكَ السُّفَهَاءُ﴾.  
۶. ﴿إِذَا وَقَعَ بَيْنَ رَجُلَيْنِ مَنَازَعَةٌ نَزَلَ مَلَكَانِ فَيَقُولَانِ لِلْسَفِيهِ مِنْهُمَا قُلْتَ وَ قُلْتَ وَ أَنْتَ أَهْلٌ لِمَا قُلْتَ سَجْزَى بِمَا قُلْتَ وَ يَقُولَانِ لِلْحَلِيمِ مِنْهُمَا صَبْرْتَ وَ حَلَمْتَ سَيَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ إِنْ أَنْمَمْتَ ذَلِكَ قَالَ فَإِنَّ رَدَّ الْحَلِيمِ عَلَيْهِ انْتَفَعَ الْمَلَكَانِ﴾.

## د. پیامدهای زودباوری

فرد زودباور با از دست دادن قدرت تشخیص حق و ابتلاء به رفتارهای آسیب‌زا، دچار مشکلات زیر می‌شود:

- **پشیمانی:** خفیف‌ترین پیامد زودباوری، پشیمانی است و این نتیجه و تأثیر عمل جاهلانه است. طبق ویژگی‌های مؤلفه‌ها که در هسته مرکزی زودباوری قرار دارند، اصلی‌ترین و مهم‌ترین آن جهالت شمرده شد. یکی از اعمال جاهلانه که این پیامد را در بر دارد، عدم تفحص و جستجو نسبت به یک خبر است؛ چراکه با جهل و عدم شناخت نسبت به موضوعی ممکن است به خود و دیگران آسیب برساند<sup>۱</sup> (حجرات: ۶). قابل توجه است که ساختن خبرهای دروغین و تکیه بر اخبار غیر موثق، یکی از حربه‌های قدیمی نظام‌های استعماری است که به وسیله آن جو کاذبی ایجاد کرده و با فریب و اغفال مردم ناآگاه آنها را گمراه می‌سازند و سرمایه‌های آنها را به تاراج می‌برند. اگر مسلمانان به همین دستور الهی عمل نکنند و خبرهای فاسقین را بدون تحقیق و تبیین بپذیرند، دچار زودفربی خواهند شد و نهایتاً از بلاهای بزرگ مصون نخواهند ماند.

- **پستی و گرایش به مسیر نامتعالی:** چنانچه از روایات دانسته می‌شود، زودباوری که صفت سفاهت را داراست، همین سفاهت خوی پستی است که باعث می‌شود نسبت به زیر دست خود گردن‌فرازی و با آنان زورگویی کند و نسبت به بالادستان خود خوار و زبونی را تجربه نماید<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷). زودباور اندک‌اندک به خاطر قبول ذلت از بالادستان به اجرای فرامین آنان تن خواهد داد و این‌گونه در مسیر نامتعادل و دور از حق گرایش پیدا می‌کند.

- **از دست دادن جایگاه اجتماعی:** با توجه به اینکه فرد زودباور مبتلا به رفتارهای آزارگرانه و آزارشونده می‌شود، جایگاه اجتماعی خود را نیز از دست خواهد داد. علاوه بر این، در روایات تصریح شده است که نسبت به آبروی بی‌اعتنا می‌باشد<sup>۳</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴).

- **گمراهی و خروج از مسیر متعالی:** در عصر جاهلیت عرب، قسمتی از احکام خرافی و آداب زشت و ننگین، از جمله کشتن فرزندان به‌عنوان قربانی بت‌ها، و یا زنده به‌گور کردن دختران به‌عنوان حفظ حیثیت قبیله و خانواده، به‌شدت محکوم شده و وضع آنها را روشن می‌سازد. کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و جهل کشتند، گمراه شدند (انعام: ۱۴۰). اینان هم از نظر انسانی و اخلاقی،

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبِيٍّ فَتَّبِعُوا أُن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ».

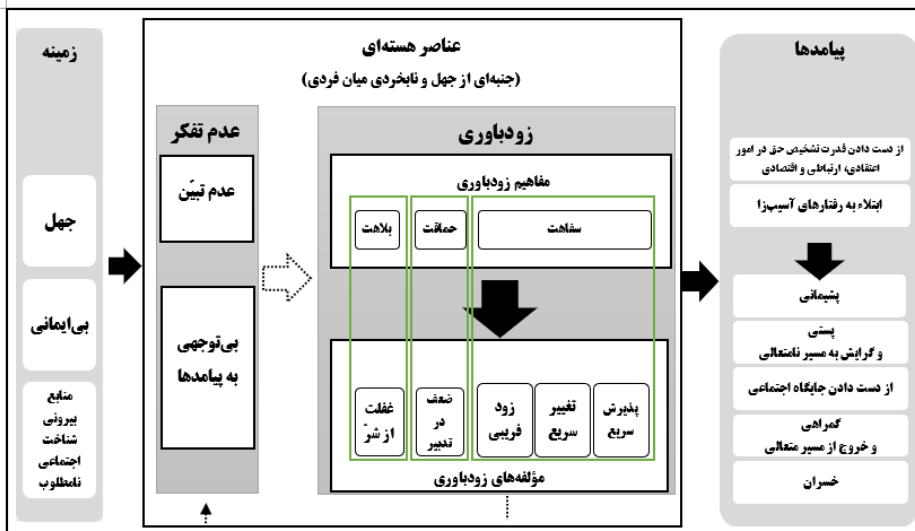
۲. «إِنَّ السَّفَهَةَ خُلِقَ لِيَمِمْ يَسْتَطِيلُ عَلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَيَخْضَعُ لِمَنْ [هُوَ] فَوْقَهُ».

۳. «وَمَا السَّفَاهَةُ قَالَتِ الْأَحْمَقُ فِي مَالِهِ الْمُمْهَوْنُ بِعِزِّهِ».



هم از نظر عاطفی و هم از نظر اجتماعی، گرفتار خسارت و زیان گشتند و از همه بالاتر، خسارت معنوی در جهان دیگر است. با توجه به آیه ۱۴۰ سوره انعام، سه تعبیر برای فردی که عمل سفیهانه دارد بیان شده است: ۱. خسران و زیان (خَسِرَ)؛ ۲. سبک مغزی (سَفَهَا)؛ ۳. عمل جاهلانه (بَغِيْرٍ عَلِمٍ) که با دو تعبیر عمل سفیهانه را محکوم و پیامد آن را مطرح می‌نماید: ۱. گمراهی (قَدْ ضَلُّوا) و ۲. هدایت نیافتن (وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِيْنَ).

**- خسران:** خسران شدیدترین و سخت‌ترین پیامد است. این واژه در آیات قرآن لحن قاطعی برای خطر شرک دارد و خطر شرک نیز از عدم پذیرش توحید و بی‌ایمانی نشأت می‌گیرد. شرک دو پیامد خطرناک دارد: نخست حبط اعمال به معنی محو آثار و پاداش عمل به‌خاطر شرک است؛ چرا که شرط قبولی اعمال، اعتقاد به اصل توحید است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). دوم، گرفتار خسران و زیان زندگی شدن است<sup>۱</sup> (زمر: ۶۵). حبط عمل و خسران و زیانکار شدن این افراد به‌خاطر این است که بزرگ‌ترین سرمایه را که عقل و خرد است، در این دنیا از دست داده و جز حسرت و اندوه متاعی نخریدند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴).



شکل (۱): زمینه، جایگاه و پیامد زودباوری در نابخردی میان فردی

۱. «... لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ تَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِيْنَ».

## نتیجه گیری

با توجه به بررسی آیات قرآن و روایات و تمرکز بیشتر در شناسه‌های باز کشف شده، این نتیجه حاصل شد که یک جهان‌بینی خاصی در قرآن و روایات وجود دارد که متفاوت از جهان‌بینی معمول در منابع عمومی روانشناسی است. دین اسلام جهت تأثیرگذاری در جنبه‌های مختلف ابتدا یک جهان‌بینی در حوزه انسان‌شناسی و هستی‌شناسی در شاکله و ذهن آدمی ایجاد می‌کند تا وی را آماده پذیرش مفاهیم مختلف کند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ترکیب شرایط و زمینه‌های مشترک بر عدم شناخت و تفکر و جایگاه آن از یک سو و از سوی دیگر ترکیب ویژگی‌های اختصاصی مؤلفه‌ها به زودباوری منجر می‌گردد.

در تبیین مدل گفته شد که برخی مقولات زمینه‌ساز زودباوری هستند. نقش زمینه‌ها و شرایط در مدل به این صورت است که تا این موارد محقق نشوند، هسته مرکزی و همچنین پیامد آن حاصل نمی‌شود یا به صورت ناقص حاصل می‌شود. زمینه مطرح شده عبارت است از: جهل و نابخردی، بی‌ایمانی، عدم شناخت اجتماعی.

## جهل و نابخردی

جهل نقیض علم (فراهدی، ۱۴۰۹) و ضد حلم (ابن درید، ۱۹۸۸) شمرده شده است. منظور از جهل، فقدان علم نسبت به معارف الهی یا علوم ظاهری یا نسبت به تکالیف شخصی است که هر یک از این‌ها می‌تواند در موضوعات کلی یا جزئی باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰). با بررسی در آیات و روایات در جهت استخراج مفهوم زودباوری، جهل در مقابل علم آورده شده است.

- آن‌جا که فرمود: «ای نوح! ... آنچه را از آن آگاه نیستی از من مخواه، من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!» (هود: ۴۶).

- با توجه به این بیان دانسته می‌شود که وجود این زمینه ارتباط شدیدی با سفاهت دارد که توضیح آن گذشت.

- اگر کسی در دام مکر دیگران بیفتد، در حقیقت در آن زمینه با جاهل بودن برابر است. چنانچه در قرآن کریم می‌خوانیم: «... إِلَّا تَصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ»؛ «اگر مکر و نیرنگ آنها را از من بازگردانی قلب من به آنها متمایل می‌گردد و از جاهلان خواهم بود» (یوسف: ۳۳).  
پس فریب‌خوردگی در جهل ریشه دارد.



## بی‌ایمانی

با بررسی و توجه به آیات قرآن، یکی از عوامل زودباوری عدم تفحص و تبیین و عدم شناخت نسبت به موضوعات کلی و جزئی است که این نشان از جهل دارد. چنانچه در قرآن می‌خوانیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ...»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید» (حجرات: ۶).

بنابراین، ایمان زمینه مقابله با جهالت است و برای جلوگیری از مکر و فریب، نیاز به تقویت ایمان است. چراکه ایمان نیاوردن، زمینه سفاهت را فراهم و فرد را در سفیه بودن تقویت می‌نماید. همانطور که منافقین خود را عاقل و هوشیار و مؤمنان را سفیه و ساده‌لوح و خوش‌باور می‌پندارند، چنان‌که قرآن می‌گوید: «هنگامی که به آنها گفته می‌شود ایمان بیاورید آن‌گونه که توده‌های مردم ایمان آورده‌اند، می‌گویند آیا ما همچون این سفیهان ایمان بیاوریم؟!».

قرآن در پاسخ به آنها می‌گوید: «بدانید سفیهان واقعی اینها هستند اما نمی‌دانند»<sup>۲</sup> (بقره: ۱۳). با توجه به این آیه می‌توان گفت تمرد از ایمان نوعی سفیه بودن است و بدتر از آن، عدم آگاهی از سفاهت خودشان نشان از درمان نشدن سفاهت است.

در ادبیات دینی، به این مسئله پرداخته شده که از آیین ابراهیم روی گردان نمی‌شود مگر کسی که سفیه باشد.<sup>۳</sup> اعراض از ملت و کیش ابراهیم از حماقت نفس و سفاهت فرد است و ناشی از تشخیص ندادن نافع و ضار نفس است. از این آیه معنای روایت معروف «ان العقل ما عبد به الرحمن»، عقل چیزی است که با آن رحمان عبادت شود، استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷). حضرت ابراهیم علیه السلام می‌تواند يك الكو و اسوه برای همه حق‌طلبان جهان باشد و مکتب او به‌عنوان یک مکتب انسان‌ساز مورد استفاده همگان قرار گیرد. وقتی انسانی، آئینی را با این پاکی و درخشندگی رها کند و در بی‌راهه‌های شرك و کفر و فساد گام بگذارد، سفاهتی بیش نیست. آئینی که با روح و فطرت انسان آشنا و سازگار است و با عقل و خرد هماهنگ، آئینی که هم آخرت در آن است و هم دنیا، را رها کند و به سراغ برنامه‌هایی برود که دشمن خرد و مخالف فطرت و تباه‌کننده دین و دنیا است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). از این رو، بی‌ایمانی و روی‌گردانی از ملت ابراهیم علیه السلام زمینه‌ساز زودباوری و فریب‌خوردگی است.

۱. «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَهْمُ آمَنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ» (بقره: ۱۳).

۲. «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَ لَكِن لَّا يَعْلَمُونَ».

۳. «وَ مَنْ يَرْغَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفِيَّةِ نَفْسِهِ».

## عدم شناخت اجتماعی

شناخت اجتماعی در معنای محدود، توانایی بازنمایی دانش، باورها، گرایش‌ها، نیات و احساسات دیگران در ذهن است. این توانایی امکان درک و پیش‌بینی رفتار دیگران را فراهم می‌کند و به همین خاطر مبنایی است برای تنظیم رفتار در تعامل با دیگران. شناخت اجتماعی، به ساختار، فرآیند و پیامد این برداشت‌ها می‌پردازد و از دیدگاه اجتماعی، با پدیده‌هایی همچون: نگرش<sup>۱</sup> (شیوه اندیشیدن یا برخورد)، دریافت<sup>۲</sup> (ادراک)، توجه، برداشت، خودشناسی، داوری، تصمیم‌گیری و دیگر پدیده‌های شناختی سر و کار دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۸). برای نمونه، اگر ما کسی را راستگو بدانیم (شناخت)، احساسات (عواطف) و رفتار ما نیز در برخورد با وی به احتمال زیاد خوب خواهد بود و نسبت به گفته‌های او پذیرش خواهیم داشت. بنابراین، آموزش ندادن جایگاه روابط میان‌فردی به فرزند و نداشتن شناخت اجتماعی می‌تواند زمینه را برای زودباوری فرد فراهم نماید. اگر ولی یا مربی با عدم شناخت اجتماعی دست و پنجه نرم کند و یا اینکه به فرزند خود آموزش ندهد و برای او الگو نباشد، می‌تواند این زمینه را در وجود خود یا فرزندش پدید آورد. این مسئله از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که امیرالمومنین علی علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام خطاب می‌کند: «ای پسر عزیزم، عافیت ده بخش است که نه بخش آن خاموشی است جز ذکر خدا، و یک بخش ترک همنشینی با سفیهان است»<sup>۳</sup> (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). به این مسئله نیز تأکید شده است و عدم شناخت این موضوع می‌تواند مشکلاتی را به بار آورد. وقتی در روایتی برای سَفَهَاءُ تعبیر «فَلَا مَرَحَبًا بِهِمْ وَلَا أَهْلًا» می‌شود، اشاره و کنایه از این است که دوری جستن از سفیهان ضرورت دارد<sup>۴</sup> (کلینی، ۱۴۰۷) تا مبادا دچار فریب‌خوردگی و زودباوری شود.

در قرآن، عقل و تفکر جایگاه مهمی دارند و به عبارتی میزان و کلید راهنما محسوب می‌شوند. قرآن کریم می‌فرماید: «اینها مثال‌هایی است که ما برای مردم می‌زنیم و جز دانایان آن را درک نمی‌کنند»<sup>۵</sup>. این جمله به مثل‌هایی که در قرآن زده شده اشاره می‌کند، و می‌فرماید که هرچند آنها را همه مردم

1. Attitude.

2. Perception.

۳. «أَيُّ بَنِي الْعَافِيَةِ عَشْرَةٌ أَحْرَاءٌ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي الصَّمْتِ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ وَوَاحِدٌ فِي تَرْكِ مُجَالَسَةِ السُّفَهَاءِ».

۴. «إِنْ كَانَ هَؤُلَاءِ السُّفَهَاءُ يُرِيدُونَ أَنْ يَصُدُّوَنَا عَنْ عِلْمِنَا إِلَى جَهْلِهِمْ، فَلَا مَرَحَبًا بِهِمْ وَلَا أَهْلًا، وَإِنْ كَانُوا يَسْمَعُونَ قَوْلَنَا وَبَيِّنْظُرُونَ أَمْرًا فَلَا بَأْسَ».

۵. «وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ».



می‌شنوند، لیکن حقیقت معنای آن و لب مقاصدش را تنها اهل دانش درک می‌کنند، آن کسانی که حقایق امور را می‌فهمند و بر ظواهر هر چیزی جمود نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴). این آیه به خوبی نقش عقل و علم را در فهم قرآن کریم روشن می‌سازد و شرط بهره‌مندی از امثال قرآن را تعقل می‌داند. در آیه دیگر آمده است: «این چنین آیات خود را برای کسانی که تعقل می‌کنند شرح می‌دهیم». طبق آیه مذکور، تنها کسانی که قوه عقل خویش را به کار ببندند و درصدد وصول به حقیقت و واقعیت باشند، می‌توانند آیات را فهم کنند.

وقتی روشن شد، تبیین و طلب کردن حقیقت و واقعیت مهمترین مقابله با جهل در مدل حاضر است. منطقی است در امور تربیتی و درمانی توجه عمده به همین مقابله جلب شود و از همین نقطه دیگر مفاهیم تعریف و آموزش داده شود. سایر مقابله‌ها هر کدام ارزش و تأثیرگذاری‌شان به میزان نحوه برخورداری شخص از آن است. برای مثال، وقتی خداشناسی و ابعاد آن مورد تعلیم و تعلم قرار می‌گیرد، به آن میزان که این علم نزدیک به واقعیت باشد و با نگاه حقیقت‌جویانه طلب شود ارزش و اهمیت خواهد داشت. هرگونه خداشناسی، خودشناسی و دگرشناسی که نصیب کمتری از واقعیت داشته باشند، به همان میزان خطا و حتی زودباوری صورت خواهد گرفت.

از جمله محدودیت‌های تحقیق حاضر آن است که صرفاً ناظر به زودباوری ناشی از روابط بین‌فردی بوده است و سایر زودباوری‌ها از جمله زودباوری جنسی به معنای پذیرش روابط جنسی خارج از چارچوب، مورد بررسی قرار نگرفته است. پیشنهاد می‌شود با روش موجود در تحقیق، مدل مفهومی زودباوری در سایر حوزه‌ها علاوه بر حوزه روابط بین‌فردی نیز مورد بررسی قرار گیرد و همچنین روایات و سلوک اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. از آنجا که این تحقیق با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شده است، پیشنهاد می‌شود موضوع تحقیق با روش‌های کمی نیز بررسی شود و پرسشنامه زودباوری بر اساس منابع دینی طراحی شود.

## فهرست منابع

۱. ابن بابویه، م. من لا یحضره الفقیه، دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۲. ابن درید، م. جمهرة اللغة، اول، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۸م.
۳. ابن شعبه حرانی، ح. تحف العقول، دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن فارس، ا. معجم مقاییس اللغة، اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. ابن منظور، م. لسان العرب، سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۶. ازدی، ع. کتاب الماء، اول، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران- موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، ۱۳۸۷ش.
۷. ازهری، م. تهذیب اللغة، اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۸. تبریزی، م. تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، علوم اجتماعی، ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸، ۱۳۹۳.
۹. جوهری، ا. الصحاح، اول، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۱۰. حافظی، م. مدل مفهومی مرکزیت بخشی نابهنجار به خود در منابع اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه اخلاق و تربیت، قم، ۱۳۹۹.
۱۱. سالاری فر، م.ر؛ آذربایجانی، م؛ کاویانی آرانی، م؛ موسوی اصل، م. روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
۱۲. شیبانی، ا. کتاب الجیم، اول، قاهره: الهیئه العامة لشئون المطابع الامیریة، ۱۹۷۵م.
۱۳. طباطبایی، م.ح. تفسیر المیزان، ترجمه م.ب. موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۱۴. طباطبایی، م.ح. المیزان فی تفسیر القرآن، پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۵. فراهیدی، خ. کتاب العین، دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۶. کاویانی، م. روانشناسی در قرآن، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۱۷. کلینی، م. الکافی، چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.



۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. أصول الكافي، ترجمه مصطفوی، اول، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹ش.
۱۹. مدنی شیرازی، ع. الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، اول، مشهد: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۳۸۴ش.
۲۰. مصطفوی، ح. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، سوم، بیروت: دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ق.
۲۱. مکارم شیرازی، ن. تفسیر نمونه، اول، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۲۲. موسی، ح.ی. الإفصاح، چهارم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۳. هاشمی، عباس؛ مشعشعی، سید محمد و فروغی، داریوش. تأثیر تفاوت‌های فردی حساس‌برسان بر تعهد حرفه‌ای آنها: بررسی نقش میانجی سازگاری جو اخلاقی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵ (۹): ۴۳۲-۴۱۵، ۱۳۹۷.
24. Elo, S., & Kyngäs, H. The qualitative content analysis process. Journal of advanced nursing, 62(1), 107-115. 2008.
25. Hrgnhan. B. R. & Olson, M.H. Introduction to learning theory. Translated by Ali Akbar Saif. 7 ED. Tehran: Doran publish. (In Persian). 2007.
26. Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. Three approaches to qualitative content analysis. Qualitative health research, 15(9), 1277-1288. 2005.
27. Joseph P. Forgas and Roy F. Baumeister .The Social Psychology of Gullibility Fake News, Conspiracy Theories, and Irrational Beliefs
28. patton, M. Q. How to use qualitative methods in evaluation. Newbury: Sage, 1987 .

## References

1. Azdī, 'Alī, *Kitāb al-Mā'* (*The Book of Water*), 1st Edition, Tehran: Dānīshgāh-i 'Ulūm-i Pizīshkī-yi Īrān – Mu'assasah-yi Muṭāla'āt-i Tārīkh-i Pizīshkī, Ṭibb-i Islāmī va Mukammil (Iran University of Medical Sciences – Institute for the Study of Medical History, Islamic and Complementary Medicine), 1387 SH (2008 CE).
2. Azharī, Moḥammad, *Tahdhīb al-Lughah* (*The Refinement of Language*), 1st Edition, Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī (House for the Revival of Arab Heritage), 1421 AH (2000 CE).
3. Elo, S., & Kyngäs, H. *The qualitative content analysis process. Journal of advanced nursing*, 62(1), 107-115. 2008.
4. Farāhīdī, Khalīl, *Kitāb al-'Ayn* (*The Book of 'Ayn*), 2nd Edition, Qom: Nashr-i Hijrat (Hijrat Publications), 1409 AH (1988 CE).
5. Ḥāfīzī, Moḥammad, *Model-i Maḥmūmī-yi Markazīyat Bakhshī-yi Nābahang bih Khud dar Manābī-'i Islāmī* (*Conceptual Model of Abnormal Self-Centering in Islamic Sources*), Master's Thesis, Mu'assasah-yi Akhlāq va Tarbiyat (Institute of Ethics and Education), Qom, 1399 SH (2020 CE).
6. Hāshimī, 'Abbās; Mash'ashī, Sayyid Moḥammad; and Furūghī, Dāryūsh, "*Ta'thīr-i Ikhtilāf-hā-yi Fardī-yi Hassās-barsān bar Ta'ahhud-i Hirfah-'ī-yi Ānhā: Barrasī-yi Naqsh-i Miyānjī-yi Sāzgarī-yi Jaw-i Akhlāqī*" (*The Effect of Individual Differences in Sensitizers on Their Professional Commitment: Examining the Mediating Role of Ethical Climate Adaptation*), Faṣṣnāmah-yi Barrasī-hā-yi Ḥisābdārī va Ḥisābrasī (Accounting and Auditing Reviews Quarterly), Vol. 25, No. 9, pp. 415-432, 1397 SH (2018 CE).
7. Hrgnhan. B. R. & Olson, M.H. Introduction to learning theory. Translated by Ali Akbar Saif. 7 ED. Tehran: Doran publish. (In Persian). 2007.
8. Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. *Three approaches to qualitative content analysis. Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288. 2005.
9. Ibn Bābawayh, Moḥammad, *Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh* (*For Whom There Is No Jurist Present*), 2nd Edition, Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom), 1413 AH (1992 CE).
10. Ibn Durayd, Moḥammad, *Jamharat al-Lughah* (*The Collection of Language*), 1st Edition, Beirut: Dār al-'Ilm lil-Malāyīn (House of Knowledge for Millions), 1988 CE.
11. Ibn Fāris, Aḥmad, *Mu'jam Maqāyīs al-Lughah* (*The Dictionary of Language Standards*), 1st Edition, Qom: Maktab al-A'lām al-Islāmī (Islamic Information Office), 1404 AH (1984 CE).





12. Ibn Manzūr, Moḥammad, *Lisān al-‘Arab (The Tongue of the Arabs)*, 3rd Edition, Beirut: Dār Ṣādir (Dar Sader Publications), 1414 AH (1993 CE).
13. Ibn Shu’bah Ḥarrānī, Ḥasan, *Tuḥaf al-‘Uqūl (Gifts of the Intellects)*, 2nd Edition, Qom: Jāmi’ah-yi Mudarrisīn (Society of Seminary Teachers), 1404 AH (1984 CE).
14. Jawharī, Ismā’īl, *Al-Ṣiḥāḥ (The Correct)*, 1st Edition, Beirut: Dār al-‘Ilm lil-Malāyīn (House of Knowledge for Millions), 1376 AH (1956 CE).
15. Joseph P. Forgas and Roy F. Baumeister. *The Social Psychology of Gullibility Fake News, Conspiracy Theories, and Irrational Beliefs*.
16. Kāviyānī, Moḥammad, *Ravān Shināsī dar Qur’ān (Psychology in the Quran)*, Qom: Intishārāt-i Pazhūhishgāh-i Ḥawzah va Dānishgāh (Publications of the Research Center of Islamic Seminary and University), 1393 SH (2014 CE).
17. Kulaynī, Moḥammad ibn Ya’qūb, *Uṣūl al-Kāfi (The Principles of the Sufficient)*, Translated by Muṣṭafawī, 1st Edition, Tehran: Kitāb Fūrūshī-yi ‘Ilmīyah Islāmīyah (Islamic Scientific Bookstore), 1369 SH (1990 CE).
18. Kulaynī, Moḥammad, *Al-Kāfi (The Sufficient)*, 4th Edition, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 1407 AH (1986 CE).
19. Madanī Shīrāzī, ‘Alī, *Al-Ṭirāz al-Awwal wa al-Kunāz li-mā ‘Alayhi min Lughat al-‘Arab al-Ma’ūl (The First Embroidery and the Treasure of Reliable Arabic Language)*, 1st Edition, Mashhad: Mu’assasah Āl al-Bayt<sup>^</sup> li-Iḥyā’ al-Turāth (Aal al-Bayt Institute for the Revival of Heritage), 1384 SH (2005 CE).
20. Makārim Shīrāzī, Nāṣir, *Tafsīr-i Nimūnah (The Example Commentary)*, 1st Edition, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah (Islamic Books Publishing House), 1374 SH (1995 CE).
21. Mūsā, Ḥusayn Ya’qūb, *Al-Ifṣāḥ (The Clarification)*, 4th Edition, Qom: Maktab al-A’lām al-Islāmī (Islamic Information Office), 1410 AH (1989 CE).
22. Muṣṭafawī, Ḥasan, *Al-Taḥqīq fī Kalimāt al-Qur’ān al-Karīm (The Investigation into the Words of the Noble Quran)*, 3rd Edition, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah – Markaz-i Nashr-i Āthār-i ‘Allāmah Muṣṭafawī (House of Scientific Books – Center for Publishing the Works of Allamah Mustafavi), 1430 AH (2009 CE).
23. patton, M. Q. *How to use qualitative methods in evaluation*. Newbury: Sage, 1987.
24. Sālārī Far, Moḥammad Ridā; Āzarbāyjānī, Mas’ūd; Kāviyānī Ārānī, Moḥammad; Mūsavī Aṣl, Moḥammad, *Ravān Shināsī-yi Ijtimā’ī bā Nigarish bih Manābi’-i Islāmī (Social Psychology with a View to Islamic Sources)*, Qom: Pazhūhishgāh-i Ḥawzah va Dānishgāh (Research Center of Islamic Seminary and University), 1398 SH (2019 CE).

25. Shaybānī, Abū ‘Amr, *Kitāb al-Jīm (The Book of Jīm)*, 1st Edition, Cairo: Al-Hay’ah al-‘Āmmah li-Shu’ūn al-Maṭābi’ al-Amīriyah (General Organization for Government Printing Offices), 1975 CE.
26. Ṭabāṭabā’ī, Moḥammad Ḥusayn, *Al-Mizān fī Tafsīr al-Qur’ān (The Balance in the Interpretation of the Quran)*, 5th Edition, Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers of Qom), 1417 AH (1996 CE).
27. Ṭabāṭabā’ī, Moḥammad Ḥusayn, *Tafsīr al-Mizān (The Balance in Interpretation)*, Translated by Moḥammad Bāqir Mūsavī Hamadānī, Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī (Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers), 1374 SH (1995 CE).
28. Tabrīzī, Muṣṭafā, *Tahlīl-i Muḥtavā-yi Kayfī az Manzar-i Rūykard-hā-yi Qiyāsī va Istiqrā’ī (Qualitative Content Analysis from the Perspective of Deductive and Inductive Approaches)*, ‘Ulūm-i Ijtimā’ī (Social Sciences Journal), No. 64, pp. 105-138, 1393 SH (2014 CE).